



۲۰۱۴/۱۱/۷

جليل غنى

## قهرمان کيست

جوامع و کشور های مختلف در طول تاریخ جهان دستخوش تحولات گوناگون، فتوحات، تأسیس امپراتوری ها، شکست و نابودی نظام های حاکم، تجزیه و تقسیم کشور ها، تقسیم نژاد ها و اقوام به مناطق مختلف در اثر خط کشی های جغرافیایی توسط قدرتمندان منطقوی و جهانی و انواع و اقسام تحولات و تغییرات دیگری بوده اند که تأثیرات آنرا تقریباً در همه جوامع امروزی می توان دید، مخصوصاً در کشور های عقب مانده آسیائی و افریقای که افغانستان نیز جزئی از آن است.

تاریخ هر یک از این جوامع حاوی همه این تحولات و تغییرات است و تاریخ نگاران و وقایع نگاران این جریانات را ثبت و به نسل های آینده گذاشته اند. افغانستان هم مثل هر ملت دیگری بر افتخارات تاریخی خود می بالد و از اشتباهات گذشتگان می آموزد و بر بزرگان و خدمتگاران جامعه و آنانیکه نقش کلیدی در رهنمائی، قیادت و زعامت داشته اند ارج می گذارد. اما این ملت به حیث یک کتله واحد است که بر مبنای خدمات، قهرمانی ها، زعامت عاملان و نقش این بزرگان در تأسیس دولت ها، نجات ملل از اسارت، رهبری و پیروزی در میدان های نبرد، حل مشکلات عمده ملی، تشکیل ملت ها، آشتی و مصالحه بین جناح های متخاصم یک ملت، ایجاد وحدت و همبستگی بین اقوام و تبار های مختلف یک جامعه کثیر النژادی و امثال آن در اعطای القاب و ارج گذاری از خدمات آنها تصمیم می گیرد و چنین امتیاز و افتخاری به چنان شخصیت های اعطا می کند، نه یک شخص و یا گروهی از یک بخش جامعه.

درین روز ها بحثی بر «امتیازات» و «قهرمان ملی» و اینکه چه کسی سزاوار چنین افتخاری است در پورتال وزین افغان جرمن آنلاين باز شده است که مستلزم کاوش و ارزیابی های وسیع است. چون افتخار و لقبی است که بنا بر «ملت» یاد می شود.

همان طوریکه استاد سید خلیل الله هاشمیان در مقاله وزین شان درین پورتال نگاشته اند فقط به سه شخصیت لقب قهرمان ملی اختصاص داده شده است. می نویسند:

«در تاریخ معاصر افغانستان، مؤرخین افغان در مدت ۳۵۰ سال گذشته فقط سه نفر افغان را به حیث قهرمان ملی توصیف کرده اند: امپراطور احمد شاه بابای درانی، مؤسس افغانستان نوین، سردار محمد ایوب خان فاتح میوند و اعلیحضرت غازی امان الله خان محصل استقلال افغانستان که خدمات هر کدام آنها به ملت افغان معلوم است»

در مورد اینکه صفات و خدمات یک قهرمان ملی چیست نیز استاد هاشمیان تذکراتی دارند. در کشور عزیز ما افغانستان هم مثل بسیاری کشور های دیگر که جنگ های را پشت سر گذاشته اند، قهرمانانی وجود دارند که ثبت تاریخ های این کشور هاست ولی چه کسی قهرمان ملی و چه کسی قهرمان محلی است که باید بین آنها فرق قایل شد. در دوران مقاومت ملت قهرمان افغانستان که واقعاً رشادت و قهرمانی بی نظیری را در آن دوران نشان داد، قهرمانان زیادی تبارز نمودند که تعدادی از آنها جام شهادت نوشیدند و با تأسف به استثنای آنچه بنام « هفته شهید» نام گذاری شده و انهم با نصب و نمایش یک تعداد عکس های دست چین، دیگر نامی هم از آنها برده نمی شود. سیاست مداران و فرصت طلبان امروزی چنان غرق امتیاز گیری و قدرت طلبی هستند که قهرمانان امروزی را که هر روز در راه دفاع از تمامیت ارضی، حاکمیت ملی، استقلال و شرافت افغانی به شهادت می رسند کاملاً فراموش کرده اند مگر اینکه این قهرمانان در سطوح محلی مورد تقدیر و تمجید آنانی قرار می گیرند که با این قهرمانان در بدترین شرایط بسر می برند.

تنها در کمتر از یازده ماه گذشته ملت افغانستان ۶۳۴ فرزند رشید خود را شامل نیرو های امنیتی افغانستان در راه دفاع از وطن از دست داد در حالیکه در طول سال گذشته مجموع تلفات نیروی های امنیتی افغان ۴۳۵۰ نفر بود. آیا این ها قهرمان نیستند،

- آیا جز روز خاک سپاری آنها، آنهم اگر خانواده های این شهداء جنازه های آنها را بدست آورده بتوانند، از آنها یاد آوری می شود؟
- آیا همین منسوبین قوای امنیتی طی ماه ها حتی معاش ماهوار شان را بدست آورده اند؟

### این ها قهرمانان واقعی هستند!!!

روز چهار شنبه پنجم نومبر تلویزیون طلوع گزارشی از یک قهرمان دیگر داشت که روزانه بیست تا چهل ماین را در ولایت هلمند کشف و خنثی می سازد و تا کنون در چهار سال گذشته بیش از شش هزار ماین را کشف و خنثی ساخته است و روز و شب با به خطر انداختن جانش برای نجات بیگناهی که شکار این ماین های کور می شوند خدمت می کند. این مأمور عادی پولیس "عبدالغفور افغانیار" است که بیست و چهار سال عمر دارد و حتی یک رتبه ترفیع هم از طرف مقامات مسؤل نگرفته است، بگذریم از سایر تقدیر ها و امتیازات.

اگر تلفات هر ماین را بطور اوسط سه نفر در نظر بگیریم، که یقیناً بیشتر از آنست، این جوان رشید و فداکار پولیس، جان حد اقل هجده هزار انسان هموطنش را نجات داده است و طی همین مدت چهار موتر مملو از مواد منفجره را نیز کشف نموده و از انفجار آن جلوگیری کرده است. آیا او با نجات دادن جان بیست هزار نفر یک قهرمان نیست؟ او یکی از این قهرمانان گمنام و بی نشان است که نه یادی از آنها می شود و نه هم پاداشی می گیرند ولی بزرگترین پاداش آنها نزد پروردگار آنها و ملت قهرمان پرور افغانستان است.

"عبدالغفور افغانیار" بیست و چهارساله، یکی از هزاران قهرمانی است که اکثریت آنها شهید شده اند و تعدادی هم گمنام و محتاج به نان شب و روز نفس می کشند.

در تمام کشور های جهان قهرمانانی از هر حرفه، مسلک، وظیفه، رضا کار، مأمور اطفائی و . . . وجود دارند که به نحوی از انحاء مورد تقدیر و تمجید قرار می گیرند حتی از یک سرباز عادی که مصدر خدمت شایان تقدیر تشخیص گردیده نیز یاد آوری می گردد. یا کوچه و جاده ای بنام او یاد می شود و یا حتی یک درخت بنام او غرس می گردد و در زیر درخت لوحه سنگی بنام او و خدمتی که انجام داده گذاشته می شود. اینها قهرمانان محلی هستند ولی قهرمان ملی به کسی خطاب می شود که مصدر خدمت عالی در سطح ملی گردیده و مورد تائید و تمجید اکثریت مطلق مردم قرار داشته باشد. تشخیص چنین خدمتی و اعطای چنین لقبی هم از صلاحیت ملت هاست نه اشخاص و یا قدرت مندانی که در پی کسب منفعت های سیاسی و امثال آن باشند. چون چنین شخصیت های به نام «قهرمان ملی» یاد می شوند. این یک موقف رسمی و یا وظیفه و شغلی نیست که از طرف رئیس دولت و یا منصب دار دیگری به او داده شده باشد، بلکه لقب و افتخاری است که در اثر خدمات شایان تقدیر از طرف اکثریت ملت به او اعطا می گردد. در افغانستان مرجع عمده تصمیم گیری ها در چنین مواردی لویه جرگه افغانستان است که خوشبختانه در ساختار سیاسی اجتماعی افغانستان سابقه تاریخی دارد و در حالات بحرانی و سرنوشت ساز و موضوعات مربوط به تمام ملت افغانستان، نمایندگان ملت تصمیم اتخاذ می کنند.

ملت افغانستان مثل هر ملت دیگری قهرمانانی دارد و شاید هم از ملت های دیگر بیشتر چون در چهل سال گذشته در بدترین شرایط و اوضاع سیاسی، اقتصادی، نظامی و جنگ های ویرانگر زندگی کرده است که کمتر کشوری در جهان شاهد آن بوده است. در تمام جهان جریانات برای مطالعه و ارزیابی نسل های آینده ثبت می گردد. در افغانستان نیز اوضاع چهل سال گذشته ثبت شده است ولی در دوران مقاومت ملت در برابر نظام دست نشانده به رهبری حزب دیموکراتیک خلق افغانستان و متعاقب آن تهاجم قشون سرخ شوروی سابق، آنچه در داخل افغانستان ثبت و نشر گردید قناعت تحلیل گران و مؤرخین را فراهم کرده نخواهد توانست چون از دید دستگاه حاکمه و اشغالگران به جریانات و رویداد ها دیده می شد اما مهاجرین افغان چه در کشور های همسایه و چه دور تر در کشورهای اروپایی و امریکا و آناتیکه اوضاع را از نزدیک تحت تعقیب داشتند تا حد امکان این اوضاع را بیطرفانه ثبت و نشر کرده اند که کتب و مقالات و تنبعاتی که نشر گردیده نمونه این ادعاست.

در دوران مقاومت مردم افغانستان و اشغال افغانستان توسط اتحاد شوروی سابقه گروهی از دانشمندان و نخبگان افغان در پاکستان «شورای ثقافتی جهاد افغانستان» را تأسیس کردند که یکی از کار های این شوری ثبت وقایع و کارنامه های مبارزین و مجاهدین راستین و برجسته افغانستان بود و سوابق و کار نامه های در حدود بیست و پنج هزار نفر

را ثبت و حفظ نمودند که تا هنوز هم در پاکستان است و بر اساس معلوماتی که نگارنده دارد چندین بار با حکومت بی کفایت کرزی و وزارت بی کفایت اطلاعات و فرهنگ برای انتقال این اسناد متعلق به مردم افغانستان تماس گرفته شده ولی مانند همه نگرانی های دیگر مردم نا شنیده مانده است. از چنین اسنادی است که می توان با قهرمان ها و قهرمانی های آنانی آشنا شد که تا کنون گمنام هستند.

پایان

---

د پانو شمیره: له ۳ تر ۳

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)  
یادونه: دلیکنی د لیکنیزی بنی پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولئ